

ارزیابی حکومت رضاشاه از نگاه انتقادی نمایندگان مجلس چهاردهم

(۱۳۲۴-۱۳۲۲)

پریسا کریمی‌زاده^۱، هادی وکیلی^۲، عباس سرافرازی^۳

چکیده

مجلس چهاردهم شورای ملی، اولین مجلس نسبتاً آزاد پس از دوره پنجم مجلس و در پی سقوط دیکتاتوری رضاشاه، در فضای سیاسی باز و پرتنش شکل گرفت. این فضا حاصل حضور قوای متفقین، ضعف دولت مرکزی، سلطنت تازه‌آغاز محمدرضاشاه، از هم‌پاشیدگی نیروهای نظامی و انتظامی، و ظهور جناح‌بندی‌های سیاسی متنوع بود. مجلس چهاردهم نه تنها به مسائل راهبردی همچون حضور مستشاران مالی آمریکایی، امتیازات نفتی، تخلیه خاک ایران از نیروهای خارجی و بحران تجزیه آذربایجان پرداخت، بلکه برای نخستین بار پس از دو دهه، امکان ارزیابی انتقادی کارنامه حکومت رضاشاه را فراهم آورد. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر تحلیل محتوای کمی - کیفی، داده‌های خود را از مشروح مذاکرات ۱۹۳ جلسه مجلس چهاردهم (۱۳۲۴-۱۳۲۲) استخراج کرده است درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست که عمده انتقادات نمایندگان به کدام جنبه‌های حکومت رضاشاه معطوف بود؟ بیشترین انتقادات در چه سالی و از سوی کدام نمایندگان فراکسیون یا احزاب مطرح شد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین انتقادات به «مجالس فرمایشی»، «نبود آزادی بیان و مطبوعات»، «عملکرد وزارت فرهنگ»، «سیاست‌های عشایری»، «ارتش»، «پروژه راه‌آهن» و «وزارت

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

parisa.karimiyani@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

vakili@um.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

ab.sarafrazi@um.ac.ir

بهداری» وارد بود. سال ۱۳۲۳ بیشترین حجم نقد را به خود اختصاص داد. در میان نمایندگان، دکتر محمد مصدق از فراکسیون منفردین در صدر منتقدان و فراکسیون توده بیشترین انتقادات را به رضاشاه وارد کردند؛ البته غلامحسین رحیمیان، سیدضیاءالدین طباطبایی (حزب اراده ملی - فراکسیون میهن) و علی دشتی (حزب عدالت - فراکسیون مستقل) از برجسته‌ترین منتقدان رضاشاه بودند. این نقدها نه تنها بازتاب شور آزادی‌خواهی پس از سقوط رضاشاه بود، بلکه به‌عنوان ابزاری برای بازتولید مشروعیت سیاسی در برابر گذشته عمل کرد.

کلیدواژگان: رضاشاه، مجلس چهاردهم، پهلوی دوم، مشروح مذاکرات مجلس، نگاه انتقادی.

A Critical Assessment of Reza Shah's Rule from the Perspective of the Members of the Fourteenth Majlis (1943–1945)

Parisa Karimianzadeh¹, Hadi Vakili², Abbas Sarafrazi³

Abstract

The Fourteenth National Parliament of Iran was the first relatively free parliament to convene after the Fifth Majlis, following the collapse of Reza Shah's dictatorship. It emerged in an open yet highly turbulent political environment shaped by the presence of Allied forces, the weakness of the central government, the newly established reign of Mohammad Reza Shah, the disintegration of the military and security apparatus, and the rise of diverse political factions. In addition to addressing major strategic issues such as the presence of American financial advisers, oil concessions, the withdrawal of foreign troops from Iranian territory, and the Azerbaijan crisis, the Fourteenth Majlis provided, for the first time in two decades, an opportunity for a critical evaluation of Reza Shah's rule. This study employs a descriptive-analytical approach combined with quantitative and qualitative content analysis. Its data were extracted from the verbatim proceedings of the 193 sessions of the Fourteenth Parliament (1943–1945). It seeks to answer the following questions: Which aspects of Reza Shah's rule attracted the greatest criticism from members of parliament? In which year was criticism most intense, and which representatives, parliamentary factions, or political parties were its principal proponents? The findings indicate that the most frequent criticisms concerned the rubber-stamp parliaments, the absence of freedom of speech and press, the performance of the Ministry of Culture, tribal policies, the military, the Trans-Iranian Railway project, and the Ministry of Health. The year 1944 witnessed the highest volume of criticism. Among individual representatives, Dr. Mohammad Mossadegh, representing the Independent Deputies' faction,

1. PhD Candidate, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad.

2. Associate Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad.

3. Associate Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad.

emerged as the leading critic of Reza Shah, while the Tudeh parliamentary faction voiced the largest number of criticisms overall. Other prominent critics included Gholamhossein Rahimian, Seyyed Zia al-Din Tabataba'i (National Will Party–Homeland Faction), and Ali Dashti (Justice Party–Independent Faction). These criticisms not only reflected the spirit of political liberalization that followed Reza Shah's abdication but also functioned as a means of reconstructing political legitimacy in contrast to the previous regime.

Keywords: Reza Shah; Fourteenth Parliament; Pahlavi II; Parliamentary Proceedings; Critical.

مقدمه

صاحب‌نظران معتقدند صعود رضاخان در مسیر پر چالش قدرت، از راهروی مجلس شورای ملی به انجام رسید. رضاشاه پیش از رسیدن به سلطنت در جریان انتخابات مجلس پنجم با اعمال نفوذ در انتخابات و دستکاری ترکیب نمایندگان مجلس شورای ملی، توانست راه به‌دست گرفتن ریاست‌الوزرای را هموار نماید. به عبارتی، رضاخان با نفوذ گسترده در قوه مقننه، قوه مجریه را نیز تحت تسلط قرار داد. عدم اجرای قانون اساسی همراه با دخالت حکومت در انتخابات، موجب عدم حضور مؤثر مردم در فرایند انتخابات شد و انتخابات بیش از آنکه بازتاب اراده مردم باشد، نمایشی برای حفظ ظاهر مشروطه به‌شمار آید (ملایی‌توانی، ۱۳۸۱: ۲۱۷). این وضعیت در مجالس ششم تا سیزدهم حکایت از نفوذ گسترده رضاشاه داشت. وی در دوران سلطنتش علی‌رغم ادعای خود مبنی بر ایجاد یک جامعه مدرن در ایران، تمامی اختیارات قوه مقننه را سلب و مجلس را به یک نهاد تشریفاتی تبدیل کرد که مهمترین پیامد آن نگرش ابزاری به مجلس بود. در سراسر این دوران هیچ‌یک از لوایح دولت از سوی مجلس رد نشد و اگر گاهی هم مختصر اعتراضی به هنگام طرح لوایح ابراز می‌شد، بیشتر جنبه لفظی داشت و کسی جرئت اعتراض به اصل و اساس طرح را به خود نمی‌داد (پروانه، ۱۳۹۱: ۱۶۸). از همین‌رو کارنامه قوه مقننه ایران در دوران رضاشاه این حقیقت را آشکار می‌کند که مصوبات این دوران دو جهت کلی داشته‌اند: اول تصویب قوانینی در راستای تمرکز هرچه بیشتر قدرت رضاشاه و دوم تصویب قوانینی برای انجام اصلاحات با دو رویکرد: یکی اصلاحات زیربنایی و دیگری برنامه‌هایی جهت عرفی‌ساختن امور دینی و دین‌زدایی (شجیعی، ۱۳۷۲: ۲۰۵). اقدامی که به تعبیر دولت‌آبادی عملیاتی بود که به خواسته‌های درونی خود از رهگذر مصوبات مجلس رنگ قانونی بخشد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۴/۱۷). در حقیقت مجلس شورای ملی در طول شانزده سال سلطنت رضاشاه در پی آسیب‌های ناشی از مداخلات دولت، نتوانست نظام پارلمانی را محقق سازد و به تربیت شخصیت‌های کارآمد سیاسی همت گمارد و در تأمین اصول و آزادی‌های مدنی و مطرح در قانون اساسی گامی بردارد. اما بعد از شهریور ۱۳۲۰ و کناره‌گیری اجباری رضاشاه از سلطنت، تجربه‌های بیست‌ساله مشارکت سیاسی و فعالیت پارلمانی و

غیرپارلمانی که تقریباً پس از مشروطیت به بن‌بست رسیده و پرونده آن‌ها به همراه دموکراسی، آزادی و مشروطه‌خواهی بسته شده بود، وضعیت را به‌گونه‌ای دیگر رقم زد. دوره چهاردهم مجلس در شرایط و موقعیتی خاص تشکیل شد که مهمترین ویژگی آن را می‌توان دور بودن از خفقان سیاسی رضاشاهی دانست. پژوهش پیش‌رو سعی دارد با توجه به اهمیت مجلس چهاردهم در پرداختن به مسائل مختلف به علت وجود نگرش‌های گوناگون سیاسی، به ارزیابی حکومت رضاشاه پرداخته و نشان دهد که نخبگان سیاسی با نقد گذشته، در پی ترسیم هویتی تازه برای نظام سیاسی ایران برآمدند و زمینه‌های فکری گفتمان‌های ضدسلطنتی و آزادی‌خواهانه در سال‌های بعد را بنیان نهادند.

پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت مجلس چهاردهم در بازتاب و نقد عملکرد حکومت رضاشاه، تاکنون تحقیق مستقلی که به‌طور خاص کارنامه حاکمیت رضاشاه را در این مجلس ارزیابی کند، انجام نشده است. بااین‌حال، مجموعه‌ای از پژوهش‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ساختار، فضای سیاسی و رویدادهای این دوره پرداخته‌اند. کوهستانی‌نژاد (۱۳۷۶) در اثر خود با عنوان «مطبوعات و انتخابات چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۲۲)» نقش مطبوعات را در تشویق و بسیج افکار عمومی برای مشارکت در انتخابات برجسته ساخته است. آتش‌پیکر (۱۳۸۰) نیز در پایان‌نامه «تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره مجلس چهاردهم» مروری توصیفی بر مسائل و رخداد‌های این دوره ارائه می‌کند. پژوهش علی بابایی‌خامنه (۱۳۸۱) با موضوع «انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی (۱۳۲۱-۱۳۲۲)» به‌طور نظام‌مند و مبتنی بر اسناد، روند انتخابات و رقابت‌های سیاسی را مورد تحلیل قرار داده است. مادح (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «مجلس چهاردهم شورای ملی و تحولات سیاسی ایران» نشان می‌دهد که این مجلس در قبال موضوعاتی همچون حضور مستشاران آمریکایی، بحران‌های مرتبط با امتیاز نفت و خطر تجزیه کشور نقشی فعال و تأثیرگذار ایفا کرده است. چایچی (۱۳۸۹) نیز در مقاله «دکتر رادمنش و مجلس چهاردهم» به فعالیت‌ها و جایگاه رادمنش - به عنوان چهره‌ای برجسته از حزب توده - در

شکل‌دهی به فضای مباحثات مجلس پرداخته است. دوستی و جوزدانی (۱۳۹۲) در مقاله «انتخابات و ترکیب سیاسی مجلس چهاردهم شورای ملی» این دوره را در مقایسه با مجالس پیشین متفاوت دانسته و تفاوت‌های عمده را در شکل‌گیری فراکسیون‌های گوناگون، ورود نمایندگان حزب توده و طیف مستقل و کاهش مداخله دربار و نیروهای خارجی می‌دانند؛ عواملی که برآمده از فضای نسبتاً باز و رقابتی پس از سقوط رضاشاه بوده است. نامدار و همکاران (۱۴۰۲) نیز در پژوهش «کارکردهای اساسی مجلس چهاردهم با تکیه بر نقش مداخله‌گرایانه شوروی و انگلیس از تشکیل تا انحلال» نشان دادند که این دو قدرت در تلاش بودند تا با اعمال نفوذ، افراد مورد نظر خود را روانه مجلس کنند. با وجود این مطالعات، جای یک پژوهش جامع که عملکرد حکومت رضاشاه را در گفتمان انتقادی مجلس چهاردهم با تمرکز بر فضای پارلمانی و تنوع دیدگاه‌های جناحی تحلیل کند، خالی بود. پژوهش حاضر در پی آن است که با بررسی نظام‌مند مباحث، نطق‌ها و مواجهه‌های انتقادی نمایندگان نسبت به حکومت رضاشاه در مجلس چهاردهم این خلأ را برطرف سازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی - کیفی انجام شده است. داده‌های پژوهش از مشروح مذاکرات ۱۹۳ جلسه تشکیل شده مجلس چهاردهم (۱۳۲۲-۱۳۲۴) استخراج شده است. در بخش کمی، فراوانی داده‌های مرتبط شمارش و در بخش کیفی مورد تحلیل قرار گرفت.

انتخابات مجلس چهاردهم

در شهریور ۱۳۲۰ نیروهای شوروی و انگلیس تهران را اشغال و حکومت رضاشاه نه بر اثر قیامی مردمی بلکه در نتیجه دخالت دولت‌های خارجی سرنگون شد. این واقعه نشان داد که شاه از هرگونه پشتیبانی ملی محروم بود (پیردیگار و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۲۵). رضاشاه آن‌قدر منفور شده بود که بیشتر مردم و رجال سیاسی اقدام متفقین را نه اشغال کشور بلکه آزادی

خود می‌دانستند، از همین‌رو هیچ جنبش و اعتراض سیاسی ضد اشغال بیگانگان صورت نگرفت (آبادیان، ۱۳۸۵: ۱۴۸). انتخابات سیزدهمین دوره مجلس که در آستانه اشغال ایران انجام گرفت در ابتدای آذر سال ۱۳۲۲ به کار خود پایان داد و رقابت انتخاباتی برای مجلس چهاردهم آغاز شد که به تعبیر آبراهامیان طولانی‌ترین، رقابتی‌ترین و حتی بااهمیت‌ترین انتخابات در ایران معاصر بود (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۲۲۸). انتخابات این دوره از مجلس از یک‌سو برای احزاب و دسته‌های سیاسی که پس از شهریور ۱۳۲۰ به وجود آمدند و از سوی دیگر برای قدرت‌های خارجی مهم و سرنوشت‌ساز به حساب می‌آمد؛ بنابراین کوشیدند تا نفوذ و سلطه خود را در مجلس پیش رو تثبیت کنند (شجیعی، ۱۳۸۳: ۲۲۲؛ عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۳۱). این اقدام آنان خاطر شاه جوان و بی‌تجربه را سخت مکدر ساخت (پهلوی، ۱۳۵۰: ۱۰۹).

فضای باز سیاسی این دوره یکی از مهمترین اتفاقات را برای اهل قلم رقم زد و آن نامزدشدن حدود ۳۴ نفر از مدیران جراید مانند عباس خلیلی، ملک‌الشعراى بهار، عباس مسعودی، ایرج اسکندری و زین‌العابدین رهنما بود. مطبوعات در دوران گذشته سکوت، توقیف و سانسور را تجربه کرده بودند (ساکما، ۱۶۸۳۰: ۱؛ کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۸۷). انتخابات توسط سهیلی و تدین و با صدور دستورهای دربار و ستاد ارتش آغاز و بیش از ۸۰۰ نامزد انتخاباتی بر سر ۱۳۶ کرسی به رقابت پرداختند (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۲۲۸). سهیلی در مصاحبه مطبوعاتی از انتخابات کاملاً آزاد که مردم بتوانند به حق مسلم و قانونی خود برسند، سخن گفت (اطلاعات، ش ۵۱۸۷، ۱۳۲۲/۰۳/۱۴: ۱). مردم این انتخابات را اولین انتخابات آزاد بعد سقوط دیکتاتوری بیست ساله می‌دانستند و می‌خواستند به میل خود در آن شرکت کرده و با رأی خود کاندیدای مورد نظرشان را به مجلس بفرستند (بابایی‌خامنه، ۱۳۸۱: ۴۰۶). اما «بولارد» سفیر انگلیس عقیده داشت نمی‌توان وعده آزادی انتخابات را محقق ساخت؛ چراکه برای مدت بیست سال انتخابات آزادی وجود نداشت و نمایندگان فعلی نیز به هیچ چیز جز انتخاب‌شدن مجدد فکر نمی‌کردند (بولارد، ۱۳۷۱: ۴۱۶ و ۴۱۷). گفته‌های «بولارد» درست بود چراکه انتخابات این دوره تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی قرار گرفت و در بسیاری از حوزه‌های انتخاباتی یک انتخاب واقعی، مردمی و سالم

برگزار نشد. دلایل زیر می‌تواند گفته‌های او را تصدیق کند: نخست آنکه اگرچه این انتخابات به‌گونه‌ای آشکار و علنی برگزار شد اما حدود ۸ ماه به طول انجامید و تاریخ دقیق پایان رأی‌گیری مشخص نشد (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۱۹). دوم با اینکه انجمن‌های نظارت بر انتخابات مکلف بودند شناسنامه رأی‌دهندگان را ملاحظه و آن را در دفاتر ثبت و مهر انجمن را در شناسنامه بزنند، اما با دخالت دولت در امر رأی‌گیری انتخابات از صندوق‌سازی به دور نماند (ساکما، ۲۳۱۸/۰۲۹۱۰: ۱؛ مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۹، ۱۳۲۳/۰۱/۰۶؛ جلسه ۱۲، ۱۳۲۳/۱/۱۲) سوم در شهرستان‌ها نیز مأموران با تهدید و تطمیع توانستند آرای مردم و رعایای بیسواد را به‌نفع خود به صندوق بریزند (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۲۲، ۱۳۲۳/۲/۳). چهارم دخالت نظامیان و همچنین درگیری تبلیغاتی کاندیداها و دخالت مأموران آمار، در برخی نقاط سبب توقیف رأی‌گیری شد (ساکما، ۳۵۰۰۰۱۶۶۴: ۱؛ ساکما، ۲۹۱۰۰۰۰۳۶: ۱) پنجم خرید آرای مردم، استخدام عده‌ای چاقوکش برای اجبار مردم به رأی‌دادن و عدم رعایت مقررات در توزیع تعرفه‌ها (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۵، ۱۳۲۲/۲/۲۱)، ششم رأی به‌جای افراد متوفی (همان، جلسه ۱۱، ۱۳۲۳/۱/۱۰) و هفتم نادیده‌گرفتن بند ۴ ماده ۱۲ قانون انتخابات (همان، جلسه ۵، ۱۳۲۲/۱۲/۲۱). این عوامل جای هیچ‌گونه تردیدی در خدشه‌دار بودن نتایج این انتخابات باقی نگذاشت. با تمام فرازونشیب انتخابات، مجلس چهاردهم در ششم اسفند ۱۳۲۲ گشایش یافت که برخلاف ادوار پیشین نیمی از نمایندگان مجلس را چهره‌های جدید تشکیل می‌دادند (صفایی، ۱۳۷۳: ۷۹).

مطبوعات تشکیل مجلس چهاردهم شورای ملی را نقطه‌عطفی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آزاد می‌دانستند چراکه پس از دو دهه حکومت خودکامه که تمام قدرت مجلس را در اختیار گرفته و آن را به نهادی برای تصویب اوامر خود تبدیل نموده، اصل تفکیک قوا را پایمال و آزادی‌های فردی و سیاسی - اجتماعی را از بین برده بود. اکنون با انتخاباتی آزاد و رقابتی، مجلسی مستقل بر سر کار آمده است. در این باب روزنامه «رعد امروز» خطاب به نمایندگان چنین نوشت: «شما نماینده قدرت ملی هستید شما اعضای نخستین مجلسی هستید که پس از ۲۰ سال حکومت ارتجاع و سلطنت استبداد و اختناق فکر و روح ملی بنا

به میل و اراده توده رنجبر و تیره‌بخت ایران تشکیل می‌شود. اقتدار قوه مقننه را که در ظرف این دوره سیاه پایمال سرنیزه‌های خون‌آلود شده بود، دوباره در دست می‌گیرید. شما نمایندگان نخستین مجلسی هستید که دیگر امر و فرمایش غارتگران گذشته ایران در انتخاب شما دخالت نداشته و تنها اراده ملی است که نام شما را برای تعیین مقدرات خویش در دفتر حوادث ایام به ثبت رسانیده است. و بالاخره شما نمایندگان نخستین مجلسی هستید که پس از ۲۰ سال حکومت وحشت و ترور، سند استقلال و قباله ملیت ما را به دست گرفته و از این پس در برابر دنیای آزاد و مبارزه کنونی می‌خواهید فریاد بزنید ما هم بشر هستیم» (رعد امروز، ش ۵۰، ۱۳۲۲/۱۰/۵: ۱). به باور نویسندگان این دوره، مجلس چهاردهم باید حیثیت و وزن از دست‌رفته پارلمان را بازسازی کند، قوانین استبدادی تصویب‌شده در دوران گذشته را فسخ نماید تا خانه حقیقی ملت و «مرکز ثقل کلیه امور کشور» باشد (همان، ش ۹۹، ۱۳۲۲/۱۲/۷: ۱ و ش ۱۱۴، ۱۳۲۲/۱۲/۲۵: ۱). نمایندگان نیز با انتقاد از جریان انتخابات گذشته به دنبال ایجاد مشروعیت برای مجلس چهاردهم بودند، مجلسی که آن را مرز میان مجالس فرمایشی و مردم‌سالاری می‌دانستند و تلاش می‌کردند بگویند ما نمایندگان واقعی مردم هستیم، نه نمایندگان فرمایشی دوره رضاشاه. از همین رو در اولین اقدام با اعلام جرم انتخاباتی علیه سهیلی نخست‌وزیر او را از گردونه سیاست خارج ساختند (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۸، ۱۳۲۳/۱/۲۴؛ جلسه ۴۸، ۱۳۲۳/۴/۳؛ جلسه ۱۱، ۱۳۲۳/۱/۱۰).

گروه‌بندی سیاسی نمایندگان مجلس چهاردهم

مجلس چهاردهم ۱۳۶ نماینده داشت که همه آن‌ها در بین هفت فراکسیون تقسیم شده بودند. این هفت فراکسیون‌ها عبارت بودند از: ۱. فراکسیون اتحاد ملی به رهبری سید محمدصادق طباطبایی، کمتر از ۳۰ نماینده؛ ۲. فراکسیون مستقل شامل ۱۵ عضو به رهبری علی دشتی؛ ۳. فراکسیون میهن ۲۶ نماینده؛ ۴. فراکسیون حزب توده ۸ نماینده؛ ۵. فراکسیون دموکرات شامل ۱۱ نماینده؛ ۶. فراکسیون منفردین به رهبری دکتر مصدق از ائتلاف حدود ۱۶ نماینده تشکیل شده بود؛ ۷. فراکسیون آزادی شامل ۲۰ نماینده که دوازده نفر از اشراف و زمین‌داران نواحی شمالی بودند که رضاشاه آن‌ها را از صحنه سیاسی رانده بود. ابوالقاسم

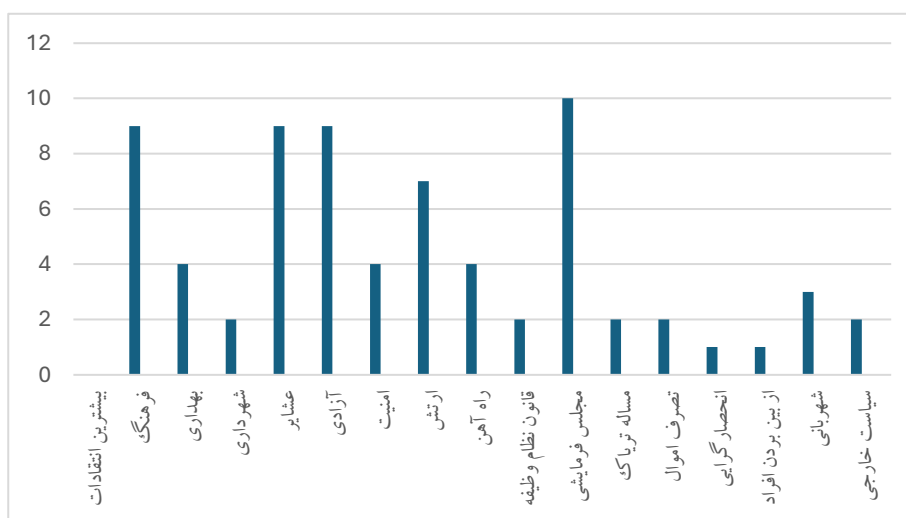
امینی و فرمانفرمایان رهبری این فراکسیون را برعهده داشتند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۸۰). اعضای فراکسیون‌ها مشخصاً افراد ثابت و پابرجایی نبودند و هیچ‌کدام از آن‌ها برنامه ثابت و منظمی نداشتند، تنها دسته هشت نفری از وکلای کمونسم از همان ابتدا می‌دانستند چه می‌خواهند و برنامه و اهداف مشخصی داشتند (لنزوسکی، ۲۵۳۶: ۲۰۰ و ۲۰۱) حوادث سیاسی آن دوره به تدریج موجب شکل‌گیری دو جناح اصلی در مجلس شد گروه اقلیت به رهبری دکتر مصدق در مقابل اکثریت مجلس به رهبری افرادی همچون سیدضیاءالدین طباطبایی، طاهری و جلیلی. در مواردی گروه اقلیت توانست با استفاده از سیاست آبستراکسیون روند تصویب طرح‌ها را مختل کند (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۳۹، ۱۳۲۴/۶/۲۰). این اتفاقات، مجلس چهاردهم را به یک محیط پیچیده چانه‌زنی سیاسی تبدیل کرد که طی دو سال ۷ نخست وزیر، ۹ کابینه و ۱۱۰ وزیر بر سر کار آمدند (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۲۴۵). به اعتقاد رادمنش، کوتاه‌بودن عمر دولت‌ها نشانی از تزلزل دستگاه حاکمه بود (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۳، ۱۳۲۴/۲/۱۸).

مجلس چهاردهم و ارزیابی حاکمیت رضاشاه

بعد از خروج رضاشاه از ایران، انتقادات از او گسترده شد و منتقدان بدون هیچ‌گونه ترسی به انتقاد از حکومت وی پرداختند. انتقاداتی که ریشه تمامی مشکلات گذشته را در اتخاذ سیاست یک نفره دیکتاتوری رضاشاهی می‌دانست که گفته بود «هر مملکتی رژیم دارد و رژیم ما یک نفره است» (هدایت، ۱۳۶۱: ۴۰۳). در صدر منتقدان رضاشاه مجلس و مطبوعات بودند که بیشترین فشار و سرکوب را متحمل شدند. انتقادات از مجلس سیزدهم که نمایندگان آن منتخبین رضاشاه بودند آغاز شد؛ این اقدام جهت همراهی با جریان سیاسی کشور و تطهیر نحوه انتخاب خودشان بود. با گشایش مجلس چهاردهم انتقادات از رضاشاه گسترده‌تر شد تا جایی که نمایندگان ایجاد کمیسیونی خاص برای رسیدگی به حساب‌های بیست ساله را مطرح و آن را از وظایف اصلی مجلس برشمردند و طرحی برای جلوگیری از تکرار تجاوزات گذشته و اصلاح حال ضروری دانستند اما این طرح بعد از گذر از چند کمیسیون، به تصویب نرسید (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۴۳، ۱۳۲۳/۴/۱۵؛ جلسه

۱۷۷، ۱۳۲۴/۱۰/۱۱). با توجه به محور بودن موضوع ارزیابی حکومت رضاشاه از نگاه انتقادی نمایندگان مجلس چهاردهم در سه بخش به مهمترین انتقادات، منتقدین اصلی و سالشمار انتقادات به بررسی و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

مهمترین انتقادات مطرح شده: در این دوره نمایندگان جنبه‌های مختلف حکومت رضاشاه را مورد انتقاد قرار دادند، که به بررسی مهمترین انتقادات که بیشترین فراوانی مطرح شده در مجلس چهاردهم را داشته‌اند، می‌پردازیم.



نمودار شماره ۱- بیشترین انتقادات مطرح شده

مجالس فرمایشی و انتخابات دستوری

بیشترین حجم انتقادات نمایندگان مجلس چهاردهم نسبت به حکومت گذشته نسبت به مجالس فرمایشی رضاشاه با ده مورد انتقاد بود چراکه رضاشاه قدرت قوه مقننه را در اختیار خود گرفت. در بیست سال حکومت رضاشاه، مجلس شورای ملی به نهادی صوری، دستوری و بی‌اثر تبدیل شد؛ نهادی که از دوره پنجم قانون‌گذاری به بعد بی‌روح و مکانیکی بود و نمایندگان آن جز قیام و قعود نقشی در تصمیم‌گیری‌ها نداشتند (کوشش، ش ۵۲۶۵، ۱۳۲۲/۱۲/۱۹: ۱).

رضاشاه قصد داشت مجلسی مطیع و فرمانبردار پدید آورد تا بتواند برنامه‌های خود را بدون هیچ مانعی به انجام رساند اما از آنجا که وی به‌عنوان میراث‌دار نظام مشروطه نمی‌توانست از یک سو اصل وجود مجلس و انتخابات آن را نادیده بگیرد و از سوی دیگر نوسازی سریع کشور با سازوکار یک مجلس دموکراتیک سازگاری نداشت، بنابراین درصدد برآمد در یک سیستم فرمایشی و دستوری هم نمایندگان را انتخاب و هم خود قانون وضع نماید. در این سیستم نه انتخابات مجلس آزادانه برگزار می‌شد و نه نمایندگان آزاد و مستقل انتخاب می‌شدند (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۱۷۲). به همین دلیل مصدق عنوان می‌کند مجلس عاملی مهم در قدرت‌گیری و تثبیت دیکتاتوری رضاشاه در دوره‌های مختلف بوده است (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۰۹، ۱۳۲۳/۱۲/۸). مطبوعات دهه ۱۳۲۰ نیز تأکید می‌کردند که نمایندگان آن دوره از استقلال رأی برخوردار نبودند و حتی در زندگی خصوصی خود امنیت نداشتند (ستاره، ش ۱۲۷۵، ۱۳۲۰/۱۲/۲۷: ۱)؛ می‌توان چنین استنباط کرد که مجلس به‌ظاهر وجود داشت اما عملاً هیچ کارکرد مستقلی نداشت و بود و نبود به‌شمار می‌رفت. به باور نویسندگان روزنامه «باختر امروز» نیز دیکتاتوری رضاشاه از دو راه تقویت شد: ۱. به‌وسیله بی‌اعتبار کردن پارلمان با در دست گرفتن قدرت آن؛ ۲. در منگنه گذاشتن مطبوعات (باختر امروز، ش ۱۷۰، ۱۳۲۸/۱۲/۲: ۱). از همین‌رو مجالس دوران گذشته علت تمام بدبختی‌ها و عامل کلیه مفاسد شناخته شد (اقدام، ش ۸۳۳، ۱۳۲۴: ۱ / ۰۶/۲۳).

وجود برخی از نمایندگان دوره‌های قبل در چهاردهمین دوره مجلس نیز اعتراض تعدادی از نمایندگان را به همراه داشت تاجایی‌که برخی آن را به مانند دوره‌های گذشته مجلسی فاسد، ناقص و دنباله‌رو مجالس دیکتاتوری خواندند (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۷، ۱۳۲۴/۲/۳۰). و برای اصلاح وضعیت بدون هیچ ملاحظه‌ای معتقد بودند که «با کمال سخت‌دلی، عوامل این فساد و بدبختی یعنی زالوهای اجتماعی و اداری را به مجازات سخت برسانند و حتی از اعدام و تیرباران عناصر فاسد گناهکار پروا نداشته باشند» (همان، جلسه ۱۸، ۱۳۲۳/۰۱/۲۴). نمایندگان تنها راه گذر از دیکتاتوری را تقویت پایه‌های دموکراسی عنوان کردند که در آن «مجلس شورای ملی باید به تمام معنی محترم باشد و راه محترم‌شدن مجلس شورای ملی این است که افراد مجلس شورای ملی موظف به

درست‌کاری، اطاعت و احترام به قوانین باشند. تنها با این شرط مجلس می‌تواند کارایی خود را در زمینه هرچه بهتر قانون‌گذاری انجام دهد و مجلسی موفق به‌شمار آید» (همان، جلسه ۹۳، ۱۳۲۳/۱۰/۲۷). در حقیقت انتقادات تند نمایندگان از مجالس فرمایشی و دستوری دوران گذشته، در حقیقت تلاشی برای بازسازی اعتبار مجلس چهاردهم و مشروعیت‌بخشی به جایگاه خود در شرایط جدید بود.

وزارت فرهنگ

نمایندگان مجلس چهاردهم نسبت به سیاست‌های آموزشی و فرهنگی دوره رضاشاه انتقاد داشتند و آن را نظامی متمرکز، کم‌کیفیت و ابزار نمایش مدرنیته دولت نامیدند. آنان عملکرد وزارت فرهنگ را در سه محور اصلی ناکام می‌دانستند: نخست در حوزه زیرساخت‌ها که باوجود بودجه‌ای بالغ بر پنج تا شش میلیون تومان، توسعه آموزشی تنها به تهران و چند شهر بزرگ محدود شد و ولایات و روستاها از پیشرفت‌های فرهنگی بی‌بهره ماندند (مشروح مذاکرات مجلس چهاردهم، جلسه ۶۴، ۱۳۲۳/۷/۲). دوم، در حوزه منابع انسانی که ضعف معلمان و ناتوانی آنان در آموزش خواندن و نوشتن صحیح موجب شد حتی دانش‌آموزانی با تحصیلات ده‌ساله نیز از ابتدایی‌ترین مهارت‌های سواد برخوردار نباشند؛ چنانکه طباطبایی صراحتاً اعلام کرد شاگردی با ده یا یازده کلاس تحصیل قادر نیست یک ستون روزنامه را درست بخواند یا مطلبی را بدون خطا بنویسد (همان، جلسه ۶۴، ۱۳۲۳/۷/۲). سوم، در بحث نتایج آموزشی، اگرچه آمارها از افزایش تعداد مدارس، دانش‌آموزان، آموزشگاه‌های عالی و اعزام محصلان به اروپا حکایت داشت، اما این اقدامات از نظر نمایندگان بیشتر دستوری از سوی رضاشاه و ابزاری برای خودنمایی حکومت و جلب توجه روشنفکران بود تا تلاشی واقعی برای توسعه فرهنگی کشور (همان، جلسه ۱۲۷، ۱۳۲۴/۲/۳۰). اما بررسی کارنامه آموزشی و فرهنگی رضاشاه به‌ویژه در ایجاد مدارس به سبک نوین حکایت از آن دارد که علاوه بر تهران، سایر نواحی نیز از تغییرات در حوزه آموزشی بهره‌مند شدند. همچنین گسترش نهادهای آموزشی موجب دگرگونی در اوضاع علمی و فرهنگی جامعه گردید. اما از نگاه نمایندگان، سیاست‌های آموزشی رضاشاه

«مدرنیزاسیون از بالا» بود؛ سیاستی که بدون ارتباط با نیازهای واقعی جامعه و با تمرکز سنگین بر تهران، نوعی توسعه نابرابر را رقم زد. همین نگاه انتقادی سبب شد برخی نمایندگان حتی انحلال وزارت فرهنگ و تأسیس اداره‌ای کوچک‌تر و کارآمدتر با عنوان «اداره معارف» را پیشنهاد کنند؛ زیرا ساختار موجود را فاقد توانایی اصلاح می‌دانستند (همان، جلسه ۶۴، ۱۳۲۳/۷/۲). در کنار این نقدهای ساختاری، دو محور فرعی نیز مورد توجه قرار گرفت: نخست تأکید بر نقش بنیادین معلمان ابتدایی و اهمیت مدارس این مقطع در سوادآموزی و تربیت زیربنایی نسل آینده (همان، جلسه ۵۳، ۱۳۲۳/۵/۲۴)؛ و دوم ضرورت بازنگری در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی به‌گونه‌ای که با سن کودکان سازگار باشد و ارزش‌هایی چون «آزادی، مشروطیت و دموکراسی» را منتقل کند، نه آنکه به تربیت افرادی مطیع و وابسته بینجامد (همان، جلسه ۱۷، ۱۳۲۳/۱/۲۲). همچنین برای رفع کمبود فضاهای آموزشی، پیشنهاد شد که از املاکی که به موجب هبه‌نامه از سوی رضاشاه به دولت واگذار شده بود، برای تأسیس مدارس استفاده شود (همان، جلسه ۶۴، ۱۳۲۳/۷/۲).

آزادی بیان و مطبوعات

نمایندگان مجلس چهاردهم بارها به تعطیلی اصول مشروطیت و سلب آزادی‌های اساسی در دوران رضاشاه اشاره کردند. نمایندگان در فضایی که پس از سقوط رضاشاه ایجاد شده بود، تلاش کردند تجربه بیست‌ساله حکومت او را به‌صورت «حافظه جمعی» بازگو نمایند و نشان دهند که این دوره با تعطیلی اصول مشروطیت و نابودی آزادی‌های اساسی، به‌ویژه آزادی مطبوعات، همراه بوده است (همان، جلسه ۱۲۸، ۱۳۲۴/۰۳/۱۷). نمایندگان، مطبوعات را «عقل کشور» و «هادی جامعه» معرفی کردند تا نشان دهند در ذهنیت آنان مطبوعات نه‌تنها ابزار انتقال خبر، بلکه پایه فکری و یکی از معیارهای سنجش سلامت سیاسی یک حکومت است (همان، جلسه ۱۲۷، ۱۳۲۴/۰۲/۳۰). از این‌رو، سرکوب مطبوعات توسط رضاشاه را نه به‌عنوان محدودیت یک صنف، بلکه به‌مثابه حمله به بنیادهای عقلانیت جمعی و روح مشروطه عنوان کردند. استفاده نمایندگان از تهدید صریح رضاشاه مبنی بر اینکه «قلم مخالفین را می‌شکنم و زبان می‌برم» تلاشی برای نشان‌دادن سرکوب و قطع اندیشه فکری و

جریان اندیشه‌ورزی و نقد بود (ذاکرحسین، ۱۳۹۵: ۸۷) همچنین با تعبیراتی چون «بیست سال چشم‌وگوش ملت بسته ماند و نگذاشتند که نه چیزی بفهمد و نه بشنود» (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۷، ۱۳۲۳/۰۱/۲۲) نشان دادند که حکومت رضاشاه با سرکوب مطبوعات سعی در بی‌خبری و عقب‌نگه‌داشتن جامعه داشته است. در کنار محدودیت مطبوعات، نمایندگان از نقض آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و حتی مذهبی سخن گفتند و یادآور شدند که ملت در دوران رضاشاه از این حقوق بنیادین محروم بوده است (همان، جلسه ۷۹، ۱۳۲۳/۰۹/۷؛ همان، جلسه ۱۲۷، ۱۳۲۴/۰۲/۳۰؛ جلسه ۱۹، ۱۳۲۳/۰۱/۲۶) از همین‌رو یکی از وظایف اصلی مجلس چهاردهم احیای گفت‌وگوی آزاد، آزادی مطبوعات و بازسازی بنیادهای از دست‌رفته مشروطه بود.

سرکوبی عشایر

در انتهای حکومت قاجار و در ادامه، شکل‌گیری سلطنت پهلوی، مسئله عشایر به‌مثابه یکی از تهدیدات برای دولت مرکزی به‌شمار می‌رفت. این مسئله به‌تدریج در ذهن روشنفکران و سیاست‌گذاران پهلوی به‌صورت ایل‌هراسی و در نهایت ایل‌ستیزی تثبیت شد. دولت که عشایر و ایلات را مانعی بر سر راه تمرکز قدرت مرکزی می‌دانست، در پی آن بود که خود را شرّ آن‌ها رها سازد. رضاشاه با تکیه بر مبانی نظری نوسازی و امنیت‌سازی، پروژه‌ای گسترده برای مطیع‌سازی، اسکان اجباری و مدرن‌سازی ایلات آغاز کرد. نگاه او به عشایر بر نوعی بدبینی استوار بود؛ چنان‌که زندگی ایلی را معادل «وحشی‌گری» و ایل را «دزد و راهزن و شرور» و رؤسای عشایر را «چپاولگر» می‌خواند (شیاسی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۹۸). این نوع نگاه، زمینه‌ای برای توجیه سیاست‌های سختگیرانه، سرکوب و حذف ساختارهای سنتی عشایری فراهم کرد. در بیان نمایندگان این سیاست سرکوب نه ابزار نوسازی، بلکه تخریب یک سرمایه ملی قلمداد شد. آنان سرکوب ایلات را یکی از شدیدترین مصائب دوره پهلوی اول معرفی کردند. به باور آنان، به‌دنبال سیاست‌های رضاشاه، املاک عشایر غصب شد، اموالشان به غارت رفت و بسیاری از آنان تبعید یا زندانی شدند (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۷، ۱۳۲۳/۰۱/۲۲؛ جلسه ۱۲۷، ۱۳۲۴/۰۲/۳۰؛ جلسه ۶۲،

۱۳۲۳/۰۶/۲۶). همچنین این سیاست‌ها، بی‌ثباتی و نارضایتی عمیقی در مناطق عشایری ایجاد کرد (هدایت، ۱۳۶۱: ۵۱۴). با وجود این رفتارهای سختگیرانه، نمایندگان تأکید داشتند که وفاداری عشایر به کشورشان حفظ شده است و آنان همچنان به سبب روحیه وطن‌پرستی در خدمت امنیت و یکپارچگی ایران باقی ماندند (همان، جلسه ۷۹، ۱۳۲۳/۰۹/۷). برای نمونه به نقش تاریخی عشایر «بنی‌طُرف» اشاره کردند که پانصد سال وظیفه مرزداری ایران را انجام می‌دادند و پیش از تشکیل ارتش نوین، در تأمین امنیت خوزستان نقشی تعیین‌کننده داشتند و امنیت آنجا در حقیقت برعهده خودشان بود (همان، جلسه ۱۹، ۱۳۲۳/۰۱/۲۶). اما باید گفت که ایلات و عشایر با توجه به نبود حکومت مقتدر مرکزی، نیروی نظامی مستقلی را ایجاد، سر از اطاعت حکومت مرکزی برداشته و باعث بروز آشوب و ناآرامی در مناطق تحت سلطه خود می‌شدند که خود عاملی برای نفوذ دخالت‌های خارجی در ایالات ایران را فراهم می‌کرد.

نمایندگان برای جبران خسارات و پیامدهای سنگین این سیاست‌ها، پیشنهادهای اصلاحی ارائه کردند. آنان خواستار ایجاد «اداره عشایری» در وزارت کشور و تشکیل «شورای ملی عشایر» با مشارکت نمایندگان تمام ایلات ایران در تهران شدند و تأکید داشتند که مداخلات ارتش در امور عشایر باید خاتمه یابد و مدیریت امور عشایری بر پایه مطالعه، همکاری و اصلاحات تدریجی پیش برود تا امنیت حقیقی برقرار شود (همان، جلسه ۱۷، ۱۳۲۳/۰۱/۲۲). این پیشنهادها نشان‌دهنده نوعی تحول در نگرش به ایلات بود: گذار از سیاست سرکوب، اجبار و کنترل مستقیم به سیاستی مبتنی بر مشارکت، احترام به ساختار اجتماعی عشایر و توجه به ظرفیت‌های آنان برای ایجاد امنیت پایدار.

ارتش

در گفتمان نمایندگان مجلس چهاردهم وضعیت ارتش رضاشاهی تصویری متناقض با روایت رسمی دوره پهلوی اول بود. ارتشی که در ظاهر قدرتمند و منظم جلوه داده شد، از درون دچار معضلات و بحران‌هایی جدی همچون عدم امنیت جانی سربازان، ثروت‌اندوزی افسران، دزدی، ارتشاء و حتی انواع تجاوزات بود. بسیاری از افسران ارتش با حمایت‌های او از مقام و موقعیت خود سوءاستفاده کردند و تنها بخش محدودی از ارتش به آموزه‌های

وطن‌پرستانه وفادار ماندند (خسروزاده، ۱۳۹۸: ۵۹). وضعیت اسفباری که به قول کسروی «اگر بخوایم از دزدی‌ها و نامردی‌های که از بسیاری از افسران ارتش دیده‌ام بگویم، کتابی بزرگ خواهد شد» (کسروی، ۱۳۵۸: ۷). انتقادات نمایندگان در این حوزه در واقع به بخش اصلی قدرت رضاشاه برمی‌گشت که ارتش را ستون اصلی قدرت خود می‌دانست، اما سقوط حاکمیت او مشروعیت این ستون را نابود کرد. به باور نمایندگان، ارتش دوران گذشته فاقد روحیه واقعی و تهی از انسجام ملی بود و تنها در تبلیغات رسمی، نیرومند و منظم معرفی می‌شد. ارتشی که بیست سال پیرامون اقتدار آن «دروغ‌پردازی» شد و تمام تبلیغاتی که ارتش را شکست‌ناپذیر جلوه می‌داد، در نخستین مواجهه با بحران بی‌اعتبار گردید (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۷۲، ۱۳۲۳/۰۷/۲۵). ارتشی مقوایی که ثابت کرد روی اصل ظاهرسازی اداره شده و به کلی فاقد ستاد فرماندهی بوده است (رعد امروز، ش ۵۴، ۱۳۲۲/۱۰/۹؛ ستاره، ش ۱۲۵۴، ۱۳۲۰/۱۲/۳؛ ۱). در نگاه نمایندگان، ارتش واقعی می‌بایست دارای دو خصیصه اصلی باشد تا بتواند کارایی لازم را داشته باشد: ۱. مبتنی بر نظام تعلیم و تربیت حرفه‌ای و منسجم باشد، امری که ارتش رضاشاهی فاقد آن بود و همین ضعف ساختاری منجر به فروپاشی آن شد (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۷۲، ۱۳۲۳/۰۷/۲۵). ۲. ابزاری برای حفظ آزادی و امنیت ملی باشد نه ابزاری در خدمت دیکتاتوری (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۷، ۱۳۲۴/۰۲/۳۰). نمایندگان خواستار اصلاحات اساسی در ساختار ارتش بودند: ۱. اصلاحات بنیادین در حوزه‌های «روحی - اخلاقی» و ۲. اصلاح «قانون نظام وظیفه» که می‌بایست در اولویت سیاست‌گذاری وزارت جنگ قرار گیرد (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۷، ۱۳۲۴/۰۲/۳۰). ۳. کاهش بودجه کلانی که به ارتش اختصاص داده می‌شد (همان، جلسه ۱۹، ۱۳۲۳/۰۱/۲۶). ۴. کاهش تعداد نظامیان تا از این طریق بهره‌وری و کارایی ارتش افزایش یابد (همان، جلسه ۷۳، ۱۳۲۳/۰۷/۲۷) ارتشی که شمار قوای آن از ۲۲۸۰۰ نفر در ۱۳۰۰ به حدود ۱۸۴۰۰۰ نفر در ۱۳۲۰ رسیده بود و هشت برابر شده بود (قدیمی، ۱۳۲۶: ۱۱۳) و ۵. محاکمه آن عده از افسران ارتش که در دوران دیکتاتوری نقش مؤثری در تثبیت رضاشاه ایفا کرده بودند (همان، جلسه ۶۲، ۱۳۲۳/۰۶/۲۶؛ جلسه ۷۳، ۱۳۲۳/۰۷/۲۷). در مجموع برآیند نگاه

نمایندگان نشان داد که ارتش رضاشاه نه تنها ارتشی ملی نبود بلکه ارتشی شاه‌محور بود. نهادی نمادین و تبلیغاتی که در زمان بحران فرو ریخت. در واقع رضاشاه از ابتدای رسیدن به قدرت پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ به دنبال ایجاد یک ارتش منظم و مدرن بود که از طریق آن بتواند حاکمیت ملی که در انتهای حکومت قاجار خارج از پایتخت وجود نداشت را بر سراسر کشور مسلط گرداند و برای رسیدن به این مهم باید زیرساخت‌های ارتش تقویت می‌شد بنابراین برای این کار بودجه هنگفتی از مملکت صرف آن گردید اما علت عدم مقاومت در مقابل نیروهای خارجی را نباید تنها به مسئله عدم قدرت ارتش ایران و نبودن سربازان میهن‌پرست بلکه باید قسمتی از آن را به عده و تجهیزات نیروهای متفقین مربوط دانست.

راه آهن

پروژه راه آهن سراسری یکی از مهم‌ترین، بزرگ‌ترین و پرهزینه‌ترین و در عین حال جنجالی‌ترین برنامه صنعتی و عمرانی رضاشاه بود (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۱۵۸) که وی آن را مظهر عظمت قدرت دولتی، استقلال ملی و توسعه اقتصادی می‌دانست اما این طرح پرهزینه پیامدهای ناگواری به دنبال داشت: تورم ایجاد کرد، اهداف اقتصادی قابل توجیهی نداشت و از هیچ‌یک از شهرهای بزرگ و صنعتی جز تهران عبور نمی‌کرد. بر اساس برآوردها، احداث جاده‌های ماشین‌رو با یک‌ونیم درصد این هزینه امکان‌پذیر بود (فوران، ۱۳۹۲: ۳۵۳)، در حقیقت احداث راه آهن به طول حدود ۱۴۰۰ کیلومتر نمونه کاملی از یک سرمایه‌گذاری نمایشی به شمار می‌رفت (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۱۷۲). از همین رو نمایندگان این پروژه را «نماد اسراف، قانون‌گریزی و اولویت‌های غلط» ارزیابی کردند که بیشتر یک پروژه سیاسی - نمایشی بود، نه توسعه‌محور که تأمین مالی آن نشان‌دهنده فشار بر جامعه برای حفظ ظاهر مدرنیته بود. مصدق با لحنی تند این پروژه را به دیکتاتوری نسبت داد و اظهار داشت که راه‌آه‌نی که با سرمایه مردم ساخته شد تنها به تدارکات نیروهای متفقین کمک کرد (همان، جلسه ۳، ۱۳۲۳/۱۲/۱۶). سید ضیاء نیز به شدت به نحوه تأمین مالی پروژه که از قرضه‌های داخلی و خارجی و صرف پنجاه میلیون لیره استفاده شده بود انتقاد کرد؛ مبلغی که به اعتقاد

او می‌توانست صرف نیازهای اساسی مردم مانند نان، خوراک، چای و قند شود (همان، جلسه ۱۷۸، ۱۳۲۴/۱۰/۱۹). قند و شکر که به مدت بیست سال در اختیار دولت بود و از این انحصار برای تأمین مالی راه‌آهن استفاده شد (همان، جلسه ۱۷۸، ۱۳۲۴/۱۰/۱۹). یکی دیگر از مهم‌ترین نکات مطرح‌شده، نقض قوانین مالی و بودجه‌ای در اجرای این پروژه بود. نمایندگان تأکید کردند که کلیه دخل و خرج‌های مربوط به راه‌آهن بدون اطلاع مجلس و دیوان محاسبات و در تعارض آشکار با قانون محاسبات عمومی انجام گرفته است. به همین دلیل، این روند موجب اسراف و سوءاستفاده‌های گسترده‌ای شد که ابعاد آن تا حدی غیرقابل محاسبه ارزیابی گردید (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۲۱، ۱۳۲۳/۰۱/۳۱). پروژه «راه‌آهن» در سخنان نمایندگان نمادی از استبداد و خودنمایی رضاشاه بود. انتقاد از این پروژه را می‌توان نمونه‌ای از شکاف میان توسعه آمرانه و نیازهای اجتماعی دانست که رضاشاه سعی می‌کرد پروژه‌های نمادین را بر نان و معاش مردم ترجیح دهد.

بهداری

یکی از برنامه‌های اصلی پروژه مدرنیزاسیون رضاشاه، بهبود بهداشت عمومی و ارتقای سطح سلامت مردم معرفی شد و دولت با تأسیس نهادهایی مانند اداره بلدیه و اداره صحتیه مملکتی تلاش داشت ساختار نوینی از خدمات درمانی و بهداشتی ایجاد کند، اما واقعیت موجود در اسناد و گزارش‌های آن دوره نشان می‌دهد این سیاست در همه نقاط کشور یکسان صورت نگرفت. عدم وجود اداره صحتیه در مناطقی همچون سنندج نمونه بارزی از این شکاف میان گفتمان رسمی مدرنیزاسیون و واقعیت اجرایی در نقاط مختلف کشور بود (جوانمردی، ۱۴۰۰: ۱۶۰). این نابرابری در دسترسی به خدمات بهداشتی به یکی از مهمترین محورهای انتقاد نمایندگان مجلس تبدیل شد؛ موضوع بهداشت و سلامت عمومی دست‌کم چهار بار در نطق‌های آنان مورد اشاره قرار گرفت و نمایندگان وضعیت بهداشتی دوران رضاشاه را ناکافی و کم‌توجه توصیف کردند (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۵۴، ۱۳۲۳/۰۵/۲۶). وزارت بهداشتی که بنا بود مسئولیت مستقیم حفظ حیات و سلامت مردم را برعهده داشته باشد، در گزارش‌های رسمی و سخنان نمایندگان به‌عنوان نهادی «ناتوان» و

«فاقد کارآمدی لازم» شناخته شد. کمبود شدید طبیب و دارو در مناطق جنوبی کشور - از جمله کرمان و بم با جمعیتی نزدیک به چهارصد هزار نفر - نشان می‌دهد هیچ برنامه‌ای برای توزیع عادلانه خدمات یا ساماندهی نیروهای بهداشتی متناسب با جمعیت شهرها وجود نداشته است. نمایندگان تأکید می‌کردند وزارت بهداری باید هم در تخصیص نیرو و هم در استفاده از تجربه و دانش اطباء قدیمی، سیاست‌گذاری منسجم‌تری داشته باشد و از نگاه سطحی و اداری به مسائل بهداشت عمومی عبور کند (همان، جلسه ۵۳، ۱۳۲۳/۰۵/۲۴؛ همان، جلسه ۵۴، ۱۳۲۳/۰۵/۲۶). در کنار مشکلات ساختاری، بودجه بسیار اندک بهداری نسبت به جمعیت و نیازهای کشور از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی این وزارتخانه بود؛ نمایندگان بودجه پنج میلیون تومانی بهداری برای جمعیت پانزده میلیون نفری کشور را «نگ‌آور» دانستند (مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۵۴، ۱۳۲۳/۰۵/۲۶) چراکه این مبلغ تقریباً ۱ درصد بودجه کشور بوده است. در این گفتمان سلامت عمومی در نظام مالی دولت رضاشاه جایگاهی فرعی و کم‌اهمیت داشت. تخصیص بخش عمده‌ای از منابع به امور نظامی باعث شد وزارت بهداری عملاً به نهادی کم‌اثر تبدیل شود که توان پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی جامعه را نداشت از همین‌رو با تأکید بر این نکته که بی‌توجهی به بهداشت می‌تواند موجب ناامنی و تزلزل در بنیان‌های اجتماعی کشور می‌گردد، خواهان افزایش بودجه و ارتقای جایگاه این وزارتخانه شدند (همان، جلسه ۶۱، ۱۳۲۳/۰۶/۲۰).

ردیف	عنوان دسته‌بندی	تعریف کیفی
۱	مجالس فرمایشی و انتخابات دستوری	اشاره به نقض آزادی انتخابات، دخالت دولت در انتخاب نمایندگان، مجلس‌های تشریفاتی، فقدان استقلال قوه مقننه.
۲	آزادی بیان و مطبوعات	انتقادات مربوط به سانسور، سرکوب روزنامه‌نگاران و توقیف روزنامه‌ها
۳	وزارت فرهنگ و آموزش	نقد سیاست‌های آموزشی، کیفیت معلمان، تمرکز نادرست بودجه، برنامه‌های درسی، کمبود مدارس در مناطق محروم.
۴	مسئله عشایر	انتقادات به سیاست‌های تبعید، خلع سلاح، غصب اموال، سرکوب فرهنگ عشایری، نادیده‌گرفتن نقش آنان در امنیت مرزها.
۵	ارتش و نیروهای مسلح	نقد بودجه نظامی، فقدان روحیه ملی در ارتش، سوءاستفاده از ارتش برای سرکوب، ناکارآمدی در بحران‌ها.
۶	راه آهن	انتقاد به نحوه تأمین مالی، اسراف منابع مالی، نقض قوانین بودجه، انحصارهای اقتصادی برای تأمین هزینه‌ها.
۷	بهداری و سلامت عمومی	کمبود پزشک و دارو، بودجه ناکافی، بی‌توجهی به مناطق محروم، نادیده‌گرفتن تجربیات پزشکان قدیمی.

جدول شماره ۱: تحلیل کیفی انتقادات

۴-۲ نمایندگان مخالف

مجلس چهاردهم پس از سقوط رضاشاه، صحنه بازسازی حافظه جمعی و بازتعریف هویت سیاسی ایران بود؛ فضایی که در آن نمایندگان کوشیدند با فاصله‌گذاری گفتمانی از گذشته، جایگاه خود را در نظم جدید تثبیت کنند. در این میان، مصدق مهم‌ترین صدا و

پرقدرت‌ترین زبان انتقادی مجلس بود که دوازده انتقاد جدی را به حکومت رضاشاه وارد کرد که در صدر آن‌ها ایجاد مجلس فرمایشی و نبود آزادی مطبوعات بود. مصدق با نقد ساختاری به‌جای نقد فردی، تلاش کرد دوره رضاشاه را در قالب «نظام دیکتاتوری» بازنمایی کند و معتقد بود یکی از عوامل موفقیت افراد، اجرای اوامر وی بدون چون‌وچرا بود و کوتاهی در انجام دستوراتش، شدیدترین عقوبت را به‌دنبال داشت. تعبیر تند «دزدگاه» برای خطاب قراردادن مجلس (مکی، ۱۳۶۴: ۵۱)، نه فقط حمله به گروهی از وکلا، بلکه بازتعریف کل نظام بیست‌ساله گذشته به‌عنوان یک ساختار فاسد بود. مصدق با یادآوری مقاومت خود و مدرس در دوره پنجم و با اشاره به اینکه «اگر مجلس سستی نکرده بود، مدت‌ها مملکت گرفتار دیکتاتور نمی‌شد و امروز دچار عکس‌العمل آن و این پریشانی نبودیم» (مشروح مذاکرات، جلسه ۱۷، ۱۳۲۳/۰۱/۲۲؛ جلسه ۷۲، ۱۳۲۳/۰۷/۲۵) رابطه مستقیمی بین «انفعال نهاد قانون‌گذاری» و «ظهور استبداد» برقرار کرد که در آن فروپاشی آزادی نتیجه مستقیم خاموش شدن صدای مجلس معرفی می‌شود. در سخنان او، رضاشاه نه یک پادشاه بلکه یک «نظام فرمان‌بری» است؛ نظامی که به‌واسطه اطاعت مطلق از اوامر و اعمال عقوبت‌های سنگین، تمام عرصه‌های سیاسی را به انقیاد کشاند. مصدق با تقابل زبانی «یک روز / امروز»، نشان می‌دهد که اختناق دیروز چگونه زمینه‌ساز آشفتگی امروز شده است: «یک روز دیکتاتوری آزادی را از مطبوعات سلب کرده بود، امروز عکس‌العمل آن این است که بعضی برخلاف مصالح مملکت قلم‌فرسایی می‌کنند، یک روز وکلای مجلس طوری مطیع شده بودند که از هرکدام می‌خواستند سلب مصونیت می‌نمودند. اگر ما از گذشته عبرت نگیریم روزگار به صورت ما سیلی خواهد زد» (همان، جلسه ۱۰۹، ۱۳۲۳/۱۲/۰۸). مصدق در ادامه با ترسیم انتظارات مردم از مجلس چهاردهم از اصلاح انتخابات و ارتقای سطح زندگی تا تشکیل دولت مستقل و مبارزه با فساد سخن گفت و عنوان کرد که این انتظارات به‌دلیل حضور وکلای «دوره بیست‌ساله دیکتاتوری» محقق نشد (همان، جلسه ۱۳۴، ۱۳۲۴/۰۶/۷). این سخن عدم مشروعیت عناصر گذشته را نشان می‌دهد و مجلس چهاردهم را درگیر میراثی از گذشته می‌بیند. در نقد سیاست‌های فرهنگی رضاشاه نیز مصدق با اشاره به موضوع کشف حجاب، نشان می‌دهد که این سیاست محصول «قدرت

تحمیلی» و نه نتیجه «تکامل اجتماعی» بوده است؛ قدرتی که به جای شکل‌گیری طبیعی تغییر فرهنگی، آن را به جامعه تحمیل کرد، از همین‌رو معتقد بود که این اقدام بایستی به واسطه تکامل اهل مملکت صورت می‌گرفت نه به واسطه کسی که قدرت مطلقه پیدا کرده و می‌گوید «من این جور می‌خواهم و باید این جور بشود» (مشروح مذاکرات، جلسه ۱۴۳، ۱۳۲۴/۰۷/۴). در تحلیل این موضوع باید اشاره کرد که این نوع بازنمایی به تقابل میان «قدرت از بالا» و «عاملیت اجتماعی از پایین» منجر می‌شود که در چهارچوب آن تحمیل سبک زندگی جای می‌گیرد.

رحیمیان، نماینده قوچان، با ۹ مورد انتقاد، نظام گذشته را شبکه‌ای از «چپاول، غارت و ترویج فساد» تصویر کرد که در نتیجه آن اقدامات «پیکر ایران عزیز به واسطه خیانت‌های یک مشت دزد و بی‌ایمان مریض است. این مریض را به حرف نمی‌شود معالجه کرد. در صورتی که مایلید ایران را زنده کنید تنها دارویی که باعث شفا و بهبودی این مریض نیمه‌جان می‌باشد، نخستین خون خائنین است» (همان، جلسه ۷۹، ۱۳۲۳/۰۹/۷) وی اولین کار مجلس چهاردهم را محاکمه و مجازات خائنین به میهن و دزدهای تشکیلات ننگ‌آور دولتی دانست که در صدر آنان رضاشاه و سید ضیاءالدین طباطبایی بودند (همان، جلسه ۲۶، ۱۳۲۳/۰۲/۱۲). زبان پر التهاب رحیمیان را باید نشان‌دهنده تلاش برای بازسازی مشروعیت سیاسی از طریق «کیفرخواهی» دانست.

در بیان انتقادی مجلس، نکته قابل‌توجه حضور چهره‌هایی بود که خود در برآمدن رضاشاه نقش داشتند؛ مانند سیدضیاءالدین طباطبایی نماینده مردم یزد از فراکسیون میهن با ۹ مورد انتقاد و علی‌دشتی نماینده مردم تهران از فراکسیون مستقل با ۴ مورد انتقاد. انتقادهای آنان نشان‌دهنده نوعی بازسازی چهره و بازنویسی هویت گذشته آنان بود که می‌کوشیدند با فاصله‌گذاری از قدرت گذشته که خود در آن شریک بوده‌اند، خود را در صف قربانیان دیروز و منتقدان امروز قرار دهند و بدین‌طریق مشروعیت تازه‌ای کسب کنند. در این میان، نمایندگان حزب توده که سال‌ها زیر فشار و اختناق دستگاه دوران رضاشاه خاموش مانده بودند، با انتقاد از حکومت گذشته سکوت چندین‌ساله خود را شکستند و مشارکت فعالی در سخنرانی و اظهار نظر علیه شاه پیشین در مجلس داشتند. بررسی‌های صورت گرفته

نشان داد که ۴۰ نماینده در مجلس چهاردهم به انتقاد از حکومت رضاشاه پرداختند که جدول زیر مهمترین نمایندگان منتقد و موارد انتقاد آنان را نشان می‌دهد. از آوردن اسامی نمایندگان با یک مورد انتقاد صرف نظر شده است.

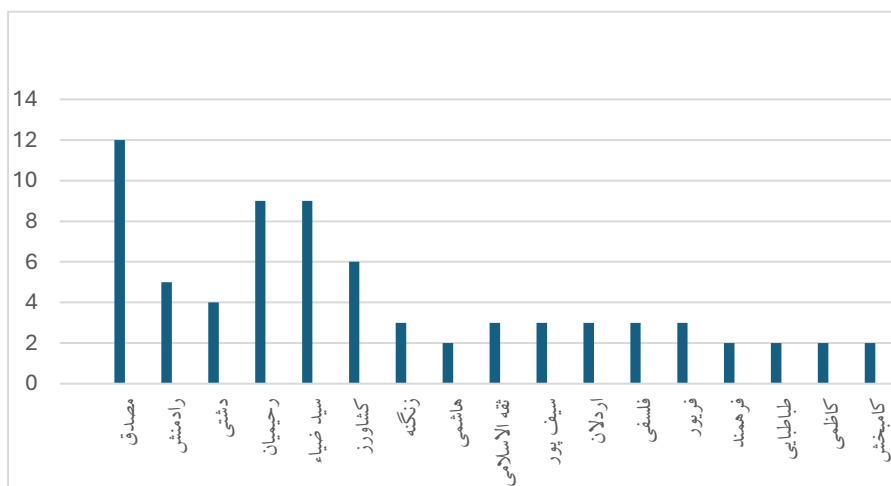
ردیف	نماینده/ فراکسیون	مقوله‌های اصلی انتقاد	زیر مقوله انتقادات	تعداد
۱	مصدق – فراکسیون منفردین	استبداد سیاسی / نبود آزادی ناکارآمدی اداری و مالی سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی سیاست‌های عمرانی و اقتصادی	مجالس فرمایشی، نبود آزادی بیان و مطبوعات، دخالت شهربانی، عدم امنیت آوردن میلسپو، بی تکلیفی اداری، نبود قوانین کارآمد تغییر فرهنگ (کشف حجاب) قرارداد نفت، راه‌آهن، انحصارگرایی اقتصادی	۱۲
۲	سیدضیاء – فراکسیون میهن	ناکارآمدی اقتصادی و مالی ضعف امنیت و ارتش فساد و انحراف دربار سوءسیاست‌های اجتماعی محدودیت آزادی‌ها	آوردن میلسپو، هدررفت منابع مالی عدم امنیت، ارتش ضعیف وجود افراد فاسق در دربار سرکوب عشایر، عدم توجه به کشاورزی نبود آزادی بیان، جنایت‌های	۹

	شهربانی			
۳	رحیمیان	سیاست‌های عشایری آشفته‌گی اداری سیاست خارجی نامطلوب نارسایی‌های فرهنگی و آزادی‌های سیاسی ضعف ارتش سیاست تصرف املاک	تبعیض و مدیریت نامناسب در عشایر سازمان اداری ضعیف، نبود قانون منسجم انتقاد از جهت‌گیری خارجی حکومت محدودیت آزادی، نبود آزادی مطبوعات، ضعف فرهنگ ارتش ضعیف غصب زمین و املاک	۹
۴	کشاوریز- فراکسیون توده	نبود آزادی‌های سیاسی فساد و ضعف قوه قضاییه ضعف ارتش نقد سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی	نبود آزادی مطبوعات و احزاب قوه قضائیه ناسالم ارتش نامناسب کشت تریاک، مجالس فرمایشی	۶
۵	رادمنش- فراکسیون توده	ضعف اداری و مالی سیاست خارجی نادرست	نبود صورتحساب، ضعف مدیریت مالی جهت‌گیری خارجی نامناسب	۵

	نبود آزادی پروژه راه آهن	محدودیت آزادی ها نقد طرح های عمرانی		
۶	زنگنه	سیاست های عشایری عدم شفافیت مالی سیاست اقتصادی غلط	۳	وضعیت نامطلوب عشایر نبود بودجه مشخص کشت تریاک
۷	هاشمی	مشکلات مالیاتی بهداشت و درمان	۲	سیستم مالیاتی ناکارآمد وضعیت بهداری
۸	علی دشتی - فراکسیون مستقل	امنیت و آزادی خشونت سیاسی	۴	نبود امنیت، مجالس فرمایشی، نبود سیاست مستقل حذف و از بین بردن افراد
۹	ثقه الاسلامی	امنیت بهداشت فرهنگی	۳	نبود امنیت ضعف بهداری ضعف فرهنگ
۱۰	سیف پور	عشایر ارتش فرهنگ	۳	وضعیت عشایر قشون پوشالی ضعف فرهنگی
۱۱	اردلان	آزادی	۳	نبود آزادی بیان به کارگیری بانوان در ادارات،

	مسائل اداری	نبود قوانین ثابت	
۱۲	فلسفی	ارتش بهداشت فرهنگ	۳ ضعف ارتش مشکلات بهداری ضعف فرهنگی
۱۳	فریور	ارتش و وزارت جنگ فساد اداری ناکارآمدی تشکیلات اداری	۳ ضعف ساختار نظامی فساد افسارگسیخته ساختار اداری نامناسب
۱۴	فرهمنده	ساختار سیاسی قوانین استخدامی	۲ مجالس دستوری و فرمایشی قانون نامناسب استخدامی
۱۵	طباطبایی	ساختار سیاسی فرهنگ	۲ مجالس فرمایشی ضعف فرهنگی
۱۶	کاظمی	آزادی‌ها قوانین ناکارآمد	۲ نبود آزادی وضع قوانین نامناسب
۱۷	کامبخش - فراکسیون توده	ارتش حاکمیت دیکتاتوری	۲ ضعف ارتش حکومت استبدادی

جدول شماره ۲- نمایندگان / فراکسیون منتقد و موارد انتقاد



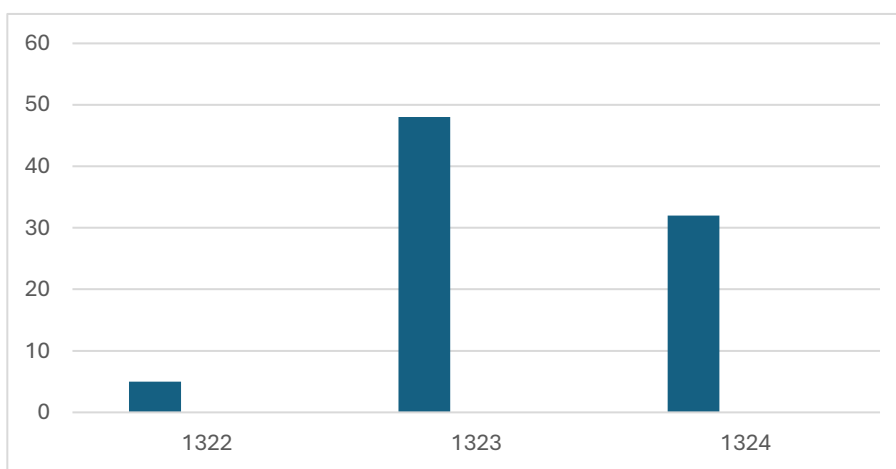
نمودار شماره ۲- مهمترین منتقدان

اگرچه مصداق از فراکسیون منفردین به تنهایی بیشترین انتقادات را به رضاشاه وارد کرد اما در مجموع فراکسیون توده در صدر منتقدین رضاشاه قرار گرفت. علی‌رغم اندیشه و آرای متفاوت نمایندگان، آنان در بیان جمعی ضد سلطنت پهلوی اول اشتراک نظر داشتند: بیانی که در آن رضاشاه نه پادشاهی ملی، بلکه نماد دیکتاتوری و استبداد بود.

۳-۴ سالشمار انتقادات

مجلس دوره چهاردهم با برگزاری تعداد ۱۹۳ جلسه یکی از پرکارترین مجالس در دهه ۱۳۲۰ بوده است. این مجلس که در ۶ اسفند ۱۳۲۲ گشایش یافت، در پایان آن سال حدود ۸ جلسه برگزار کرد. بیشترین جلسات تشکیل شده در سال ۱۳۲۳ بود که از جلسه ۹ تا جلسه ۱۱۷ را شامل می‌شد و مابقی جلسات مربوط به سال ۱۳۲۴ بود. نکته قابل توجه در عملکرد مجلس چهاردهم، نقش انتقادی آن نسبت به دوره گذشته است. در سال ۱۳۲۳، نمایندگان در ۱۰۸ جلسه، حدود ۴۸ مورد انتقاد صریح یا ضمنی به عملکرد حکومت پیشین وارد کردند. در سال ۱۳۲۴ نیز این روند ادامه یافت و حدود ۳۲ مورد انتقاد دیگر به ثبت رسید. این تعداد جلسات تشکیل شده و استمرار فعالیت مجلس در شرایط دشوار سیاسی، نشان می‌دهد که نمایندگان تمایل داشتند با افزایش حضور و دخالت خود در امور

حکومتی، نقش خود را تقویت کنند. در مجموع طی این دو سال، نمایندگان حکومت رضاشاه را مورد نقد جدی خود قرار دادند؛ موضوعی که در مجالس قبل سابقه نداشت. این امر از یک سو بیانگر فضای باز سیاسی و از سوی دیگر نشان از رویکرد تازه مجلس داشت که خواستار اصلاحات، افزایش شفافیت در عملکرد حکومت و جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته بود.



نمودار شماره ۳- سالشمار انتقادات

سال	تعداد جلسات	تعداد انتقادات	تحلیل
۱۳۲۲	۸	۵	آغاز فضای باز و شکل گیری گفتمان انتقادی
۱۳۲۳	۱۰۸	۴۸	نقطه اوج آزادی سیاسی و رقابت های فراکسیونی
۱۳۲۴	۸۰	۳۲	کاهش تدریجی فضای باز، تمرکز مجلس بر مسائل دیگر چون بحران آذربایجان، مسئله نفت.

جدول شماره ۳- تحلیلی سالشمار انتقادات

جمع‌بندی

بررسی مشروح مذاکرات مجلس چهاردهم حکایت از آن دارد که گشایش فضای سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ این امکان را فراهم آورد تا مجلس، برای نخستین بار پس از دو دهه، به عرصه‌ای رسمی برای نقد مستقیم و بی‌پرده ساختار قدرت پیشین تبدیل شود؛ نقدی که تا پیش از آن در فضای عمومی سرکوب شده بود. این امر شور اولیه آزادی سیاسی پس از سقوط رضاشاه را بازتاب می‌داد و بیانگر آن بود که نقد رضاشاه نه یک واکنش مقطعی، بلکه محصول شکل‌گیری تدریجی اعتماد به بیان آزاد در فضای پارلمانی است. اشتراک نظر نمایندگان در انتقاد از بسیاری از شئون حکومتی گذشته از جمله: مجالس فرمایشی، ارتش، وزارت فرهنگ، بهداری و... نشان داد که آنان کوشیدند تصویری واقعی - که بعضاً به تیرگی می‌گرایید - از دوران گذشته بسازند و مشروعیت سیاسی ازدست‌رفته مجلس را در تقابل با آن کسب کنند. اگرچه مصدق در میان منتقدان جایگاه برجسته‌ای داشت، اما حضور پررنگ فراکسیون توده و حجم بالای انتقادات این گروه روشن ساخت که نیروهای سیاسی رادیکال‌تر بیش از دیگران از فرصت ایجادشده برای نقد صریح رضاشاه بهره بردند، امری که بیانگر آن است که مجلس چهاردهم به بستری برای رقابت میان نیروهای سیاسی مختلف بدل شده بود. بنابراین می‌توان گفت که این مجلس نه تنها نقش قانون‌گذاری، بلکه به عنوان عرصه‌ای برای بازتاب و برجسته‌سازی انتقادات علیه رضاشاه عمل کرد. این بازنمایی در حافظه سیاسی جامعه ایران ماندگار شد و در دوران بعد نیز زمینه‌های شکل‌گیری بیان انتقادی، علیه سلطنت پهلوی دوم را تقویت کرد.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۸). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
۲. آشنایی با مجالس قانون‌گذاری در ایران (دوره چهاردهم ۱۶ اسفند ۱۳۲۱-۱۳۲۲ اسفند ۱۳۲۴) (۱۳۸۵). گروه مطالعات بنیادین حکومتی.
۳. بولارد، سر ریدر (۱۳۷۱). *نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه*، ترجمه غلامحسین میرزاصالح، تهران: طرح نو.
۴. پیردیگار، ژان؛ هورکارد، برنار؛ ریشار، یان (۱۳۷۸). *ایران در قرن بیستم*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، چ ۲، تهران: البرز.
۵. پهلوی، محمدرضا (۱۳۵۰). *مأموریت برای وطنم*، چ ۳، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۶. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*، چ ۴، تهران: انتشارات فردوسی.
۷. ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۹۵). *مطبوعات سیاسی در عصر مشروطیت*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. رحمانیان، داریوش (۱۳۹۱). *ایران بین دو کودتا*، تهران: سمت.
۹. شجعی، زهرا (۱۳۸۳). *نخبگان سیاسی ایران: نمایندگان مجلس از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، چ ۴، تهران: سخن.
۱۰. صفایی، ابراهیم (۱۳۷۳). *نخست‌وزیران ایران*، چ ۱، تهران: انجمن تاریخ.
۱۱. عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۴). *بحران دموکراسی در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: البرز.
۱۲. فوران، جان (۱۳۹۲). *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، چ ۱۴، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

۱۳. قدیمی، ذبیح‌الله (۱۳۲۶). تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی، تهران: بانک ملی ایران.

۱۴. کسروی، احمد (۱۳۵۸). افسران ما، چاپ رشدیه، چ ۳، بی‌جا، بی‌نا.

۱۵. لنزوسکی، جرج (۱۳۵۶]۲۵۳۶). رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رایین، چ ۲، تهران: جاویدان.

۱۶. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۲). سیاستگذاری ساختاری قدرت در ایران، تهران: دانشگاه تهران.

۱۷. مکی، حسین (۱۳۶۴). دکتر مصدق و نطق‌های تاریخی او در دوره پنجم و ششم تقنینیه، تهران: جاویدان.

۱۸. ملائی‌توانی، علیرضا (۱۳۸۱). مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۹. میل‌سپو، آرتور چستر (۱۳۷۰). آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: البرز.

۲۰. هدایت، مهدیقلی‌خان (مخبرالسلطنه) (۱۳۶۱). خاطرات و خطرات، چ ۳، تهران: زوار.

ب) مقالات

۱. آبادیان، حسین (۱۳۸۵). «قدرت‌های بزرگ و اشغال ایران در جنگ دوم جهانی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۲۸، ص ۱۳۷-۱۷۲.

۲. پروانه، نادر (۱۳۹۱). «مجالس پهلوی اول راهرویی برای دیکتاتوری»، مجله مطالعات تاریخی، س ۱۰، ش ۳۹، ص ۱۵۶-۱۶۹.

۳. شیاپی، مسلم؛ منصور بخت، قباد؛ شعبانی، رضا (۱۴۰۰). «دیدگاه رضاشاه در سرکوبی ایلات و عشایر و پیامدهای آن (۱۳۰۴-۱۳۲۰)»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۴، ش ۲، شماره پیاپی ۱۴، ص ۵۹۴-۶۰۸.

۴. جوانمردی، فوزیه (۱۴۰۰). «بازتاب وضعیت بهداشت و پزشکی ایران در اسناد آرشیویی (۱۲۸۵-۱۳۲۰)»، *تاریخ علم*، دوره ۱۹، ش ۱، ص ۱۵۷-۱۸۲.
۵. خسروی زاده، سیروان، «وضعیت و جایگاه اجتماعی نظامیان در دوره پهلوی اول و تأثیر آن بر واقعه شهریور ۱۳۲۰» (۱۳۹۸). *مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی*، دوره ۹، ش ۱، ص ۵۹-۸۱.
۶. علی بابایی خامنه، فرزانه (۱۳۸۱). «انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی (۱۳۲۱-۱۳۲۲)»، *مجله تاریخ معاصر ایران*، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۴۰۵-۴۹۲.
۷. کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۷۶). «مطبوعات و انتخابات چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی ۱۳۲۲»، *مجله رسانه*، ش ۳۱، ص ۸۴-۹۱.

ج) اسناد

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ش.ب ۱۶۸۳۰.
۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ش.ب ۲۹۱۰۰۲۳۱۸.
۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ش.ب ۲۹۱۰۰۰۰۳۶.
۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ش.ب ۳۵۰۰۰۱۶۶۴.

د) مشروح مذاکرات مجلس چهاردهم

۱. جلسه ۵، ۲۱/۱۲/۱۳۲۲
۲. جلسه ۹، ۰۶/۰۱/۱۳۲۳
۳. جلسه ۱۱، ۱۰/۰۱/۱۳۲۳
۴. جلسه ۱۲، ۱۲/۰۱/۱۳۲۳
۵. جلسه ۱۷، ۲۲/۰۱/۱۳۲۳
۶. جلسه ۱۸، ۲۴/۰۱/۱۳۲۳
۷. جلسه ۱۹، ۲۶/۰۱/۱۳۲۳

۸. جلسه ۲۲، ۰۳/۰۲/۱۳۲۳
۹. جلسه ۲۶، ۱۲/۰۲/۱۳۲۳
۱۰. جلسه ۴۳، ۱۵/۰۴/۱۳۲۳
۱۱. جلسه ۴۸، ۰۳/۰۵/۱۳۲۳
۱۲. جلسه ۵۳، ۲۴/۰۵/۱۳۲۳
۱۳. جلسه ۶۲، ۲۶/۰۶/۱۳۲۳
۱۴. جلسه ۶۴، ۰۲/۰۷/۱۳۲۳
۱۵. جلسه ۷۲، ۲۵/۰۷/۱۳۲۳
۱۶. جلسه ۷۹، ۰۷/۰۹/۱۳۲۳
۱۷. جلسه ۹۳، ۲۷/۰۹/۱۳۲۳
۱۸. جلسه ۱۰۹، ۰۸/۱۲/۱۳۲۳
۱۹. جلسه ۱۲۳، ۱۸/۰۲/۱۳۲۴
۲۰. جلسه ۱۲۷، ۳۰/۰۲/۱۳۲۴
۲۱. جلسه ۱۲۸، ۱۷/۰۳/۱۳۲۴
۲۲. جلسه ۱۳۴، ۰۷/۰۶/۱۳۲۴
۲۳. جلسه ۱۳۹، ۲۰/۰۶/۱۳۲۴
۲۴. جلسه ۱۴۳، ۰۴/۰۷/۱۳۲۴
۲۵. جلسه ۱۷۷، ۱۱/۱۰/۱۳۲۴

هـ) روزنامه‌ها

۱. روزنامه اطلاعات، ش ۵۱۸۷، ۱۴/۰۳/۱۳۲۲.
۲. روزنامه اقدام، ش ۸۳۳، ۲۳/۰۶/۱۳۲۴.
۳. روزنامه باختر امروز، ش ۱۷۰، ۲/۱۲/۱۳۲۸.
۴. روزنامه ستاره، ش ۱۲۷۵، ۲۷/۱۲/۱۳۲۰.

۴۰ دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵

۵. روزنامه ستاره، ش ۱۲۵۴، ۱۳۲۰/۱۲/۳.
۶. روزنامه رعد امروز، ش ۵۰، ۱۳۲۲/۱۰/۵.
۷. روزنامه رعد امروز، ش ۹۹، ۱۳۲۲/۱۲/۷.
۸. روزنامه رعد امروز، ش ۱۱۴، ۱۳۲۲/۱۲/۲۵.
۹. روزنامه رعد امروز، ش ۵۴، ۱۳۲۲/۱۰/۹.
۱۰. روزنامه کوشش، ش ۵۲۶۵، ۱۳۲۲/۱۲/۱۹.